

## تاریخ شعر فارسی در هند و پاکستان

سیدمرتضی موسوی - دانشجوی پاکستانی

### ۱ - قرن پنجم

چگونگی ، پیدایش و گسترش شعر فارسی در هندوستان و پاکستان :  
قرن پنجم هجری در سراسر تاریخ شعر فارسی بطور اعم و در تاریخ شعر فارسی شبه قاره هند و پاکستان بطور اخص بعلل متعدد دارای اهمیت و ارزش فراوان می باشد زیرا در این دوران پس از گذشت دو قرن حکومت های نیمه مستقل و مستقل طاهریان (۲۰۵-۲۵۹) و صفاریان (۲۴۵-۲۹۰) و سامانیان<sup>۱</sup> (۲۶۱-۳۸۹) سلاطین سلسله غزنوی حکومت اکثر مناطقی را بدست داشتند که قبلاسه خاندان فوق بنوبه خود دارا بوده اند در قرون سوم و چهارم هجری بنا بر حمایت و تشویق خالصانه پادشاهان ایرانی «فارسی دوست» نخستین دسته از شعرای نامدار مانند خنظله بادغیسی (۲۲۰) محمود و راق هروی (۲۲۱) ، پیرو مشرقی (۲۸۳) ، محمد بن وصیف سگری و ابوشکور بلخی و ابوالمؤید بلخی و ابوالحسن شهید بلخی و عماره مروزی و حکیم کسائی مروزی بوجود آمدند که نمایان ترین آنان سخنوران بزرگ یعنی رودکی سمرقندی (۳۲۹) و دقیقی طوسی (۳۶۸) بوده اند .

همه گویندگان فوق الذکر سعی و کوشش نموده اند که در اوزان گوناگون شعر بگویند و برجسته ترین نماینده شعر فارسی پیش از دوره غزنوی سخنور بزرگ سمرقند ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی در تمام فنون سخن و انواع شعر مانند قصیده و مثنوی و غزل و قطعه رباعی مهارت تام داشت<sup>۲</sup> بنا بر دو قرن سرگذشت تابناک و درخشان

شعر فارسی ، از نیمه سده چهارم تا نیمه سده پنجم گویندگان و سخنوران زبردستی مانند فردوسی ( ۴۱۱ ) و فرخی ( ۴۲۹ ) و عنصری ( ۴۳۱ ) و منوچهری ( ۴۳۲ ) آثار جاویدان خود را ، بمنصه ظهور رسانیدند -

همزمان با دوره اعتلای شعر فارسی در ایران ، در مناطق باختری شبه قاره هند آئین اسلام و ایرانیان را پیدامیکنند - موضوع مهمی<sup>۱</sup> که در تاریخ زبان فارسی در این دوره باید مورد توجه و مطالعه قرار گیرد نشر زبان پارسی دری است در بیرون از مرزهای ایران - این امر معلول بعضی از علل سیاسی و نظامی است. از اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم اولیای دولت نوحاسته غزنوی که نمیتوانستند از جانب مغرب کشور خود را توسعه دهند میکوشیدند که اراضی وسیع و پر نعمتی را که در مشرق و جنوب شرقی مستملکات آنان قرار داشت فرا چنگ آورند و آن سرزمینهای آبادان عبارت بوده است از ولایات اطراف رودخانه سند - در نتیجه مهاجمات متعدد که بوسیله امیر ناصرالدین سبکتکین و امیر محمود غزنوی باین ناحیه صورت گرفت بسیاری از هندوان قبول اسلام کردند یا تحت قیمومت حکومت فارسی زبان غزنوی درآمدند دولت غزنوی نیز برای نگاهداری این سرزمین دسته های نظامی بزرگی از خراسانیان و اهل مشرق ترتیب میداده و بنواحی مفتوحه میفرستاده است - چنانکه میتوان بتحقیق گفت که اسلام بازبان پارسی بسرزمین سند و از آنجا بدیگر نواحی هندوستان راه یافته است .

« محمود غزنوی بر اثر شجاعت و تدبیر بفتوحات پی در پی در ایران و هند توفیق یافت چنانکه در سال ۴۲۱ که سال وفات او بود از حدود ری و اصفهان تا خوارزم و ولایت کجرات و سواحل عمان در هندوستان در تصرف او بود »<sup>۲</sup> بعلت لشکر کشیهای متعدد سراسر پنجاب و مولتان و سند ضمیمه سلطنت غزنوی گردید و مرکز حکومت مناطق هندی سلطنت غزنوی در لاهور مستقر شد - در مناطق غزنوی هند فارسی نه تنها زبان سیاسی و نظامی شد بلکه عنوان يك زبان مقدس دینی یافت ، بعد از محمود چنانکه میدانیم حکومت غزنوی همچنان در اراضی مفتوحه هند بر قرار ماند و حتی بعضی از

۱- تاریخ ادبیات در ایران تألیف آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۳۳۱

۲- تاریخ ادبیات در ایران تألیف آقای دکتر صفا ج ۱ ص ۱۸۷

سلاطین کوشیدند تا نواحی تازه ای از هندوستان را بر متصرفات قدیم غزنوی بیفزایند اینست که از اواسط قرن پنجم بعد در مراکز مهم حکومت سند و پنجاب و ولایتهای نزدیک باین نواحی زبان فارسی رائج بوده<sup>۱</sup>

فرخی سیستانی و عنصری بلخی و عسجدی مروزی استادان بزرگ قصیده سرای دوره با عظمت محمود غزنوی در لشکر کشیهای محمود بهند در التزام رکاب وی حضور میداشتند و قصاید غرائی در مدح محمود و نظم و قایع جنگ میان نیروهای ایرانی و راجگان هندی سروده اند - قصیده معروف فرخی با مطلع زیر که در سفر سومنات سلطان محمود میباشد<sup>۲</sup> (دارای ۱۷۵ بیت است).

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن نو آرد که نورا حلاوتیست دگر

عسجدی مروزی در چکامه شیوائی فتح سومنات را ستود

شاه خسروان سفر سومنات کرد کردار خویش را علم معجزات کرد

بعقیده آقای محیط طباطبائی « اسلام از راه دره هیرمند و آمو و ساحل دریای عمان بجلگه سند درآمد و وحدت عقیده ای پس از قرنهای جدائی میان دولت (ایران و پاکستان) پدید آمد چون مسلمانان که پرچم اسلام را بهند بردند غالباً ایرانی بودند و تأثیر تمدن اسلامی در هند بصورت نفوذ تمدن ایرانی درآمد و آداب و رسوم صنایع و عقاید و روشهای زندگی ایران بدانجا راه یافت و دست مقتدر غزنویان که دره پنجاب را تا ساحل کانیاوار (گجرات) و ساحل رود گنگ رسماً ملحق بایران کرده بود در انتقال این تمدن بهند سهمی بزرگ پیدا کرد و در مدت کمتر از یک قرن در دره پنجاب کانون جدیدی از شعر و ادب و مظاهر دیگر تمدن ایرانی بوجود آوردند که مسعود سعد سلمان برجسته ترین نماینده این پیوستگی دو قوم و دو کشور محسوب میشود<sup>۳</sup> »

در نیمه اول سده پنجم بعثت محیط ادبی لاهور گویندگان و دانشمندان زیادی از خراسان و ماوراءالنهر بجاناب لاهور کوچیدند و در انجام تعلیم و تدریس شعر و ادب فارسی

۱ - ایضاً ۲ ج ص ۳۳۱ - ۲ - تحول شعر فارسی تألیف آقای زین العابدین مؤمن ص ۷

۳ - مجله هلال شماره مخصوص ص ۱۲ مقاله بعنوان سهم ایران در تمدن پاکستان

در مدارس بمنزله علوم و فنون متداوله شناخته میشد - جالب این است که پیش از آغاز سده پنجم نخستین شاعرانهای از طبقه نسوان در صفحات غربی دره سند، سخنان دلنشین خود را در زبان شبرین پارسی سروده است - «این شاعر غزل گوی قرن چهارم رابعه دختر کعب قزداری است که سخن او در لطافت و اشتمال بر معانی دل انگیز و فصاحت و حسن تأثیر معروفست - سوز و لطف غزلهای وی قابل توجه و مورد علاقه اهل ذوق و خاصه صوفیه بوده است -»<sup>۱</sup>

چنانکه قبلاً اشاره گردید در زمانیکه شعر فارسی در شبه قاره هند و پاکستان توسعه و رواج پیدا کرد، پارسی گویانی نیز از آن ناحیه ظهور کردند - کهن ترین مراکز شعر فارسی در این ناحیه لاهور است که از قدیم ترین شاعران پارسی گوی آنجا نکتی لاهوری را ذکر کرده اند «<sup>۲</sup> پس از چگونگی پیدایش و گسترش شعر فارسی در شبه قاره اینک بتحقیق و بررسی و سنجش ارزش اشعار یکایک شعرای نامدار آن سرزمین پهناور همیبردازیم -

### نکته لاهوری: نخستین کسیکه در پنجاب آل سبکتکین بزبان فارسی شعر

گفته است، شاعری بوده است لاهوری الاصل بنام نکتی لاهوری - اسم کامل وی ابو عبدالله روزبه ابن عبدالله النکتی لاهوری است وی با سلطان مسعود بن محمود غزنوی معاصر بوده است - عوفی برای اولین بار در تذکره خود از نکتی اسم برده و بعداً صاحبان هفت اقلیم و عرفات العاشقین نیز در تذکره های خود از او نام برده اند شعرو شاعری نکتی تا اندازه ایست که در توصیف نمیکنجد، تنها نمونه شعر نکتی در باب الالباب عبارتست از یک قصیده و یک قطعه و دو بیت و برای سنجش ارزش اشعار او این مقدار کافی نیست. با اینحال میتوان گفت که وی در انتخاب و بکار بردن کلمات و لغات راه مبالغه را نپیموده است - تشبیهات دور از ذهن و افکار اغراق آمیز در نمونه های شعروی دیده نمیشود - در زیر چند بیت از قصیده ای که در مدح سلطان محمود بن محمود سروده است نقل میگردد:

۲ - ایضاً ج ۱ - ص ۴۳

۱ - گنج سخن تألیف آقای دکتر صفا ج ۱ ص ۵۴  
۳ - باب الالباب ج ۲ ص ۵۷ - ۵۸ چاپ لیدن

روی آن ترك نه رویست و براونه برست که بر این نار بیاراست و بران گل بیرست  
 ملك عادل مسعود خداوند ملوك که بفضل از ملكان بیشتر و بیشتر است

### ابوالفرج رونی

نخستین گوینده ای که افتخار استادی در سخن سرائی فارسی قرن پنجم شبه قاره برای وی مسلم گشته و مقدار قابل ملاحظه‌ای از آثار شعری وی با وجود مرور ۹ قرن بدست ما رسیده است ابوالفرج رونی است - نام کامل وی بکواهی عوفی ابوالفرج بن مسعود الرونی بوده<sup>۱</sup> وی در لاهور چشم بجهان گشوده و زمان صغر و عنفوان جوانی را در همین شهر بسر برده است لطف علی بیک آذر «رون» را از «رونه» در دشت خاوران جدا نمیداند. رضاقلیخان هدایت «رونه» را قریه‌ای در بخش نیشابور گمان میکند<sup>۲</sup> صاحب تاریخ فرشته وی را سیستانی الاصل گفته است -<sup>۳</sup> اشتباه تذکره نویسان اخیر الذکر بعلت وجود یکی از شعرای دیگر بنام ابوالفرج سکزی است که از معاصران سلطان ابراهیم غزنوی بوده است<sup>۴</sup> در تاریخ فرشته چنین نوشته شده :

«استاد ابوالفرج معاصر سلطان ابراهیم بود سیستانی الاصل است و بعضی غزنوی نیز گفته اند و عنصری شاگرد اوست و در زمان دولت ابوعلی سیمجوری که او از امرای سامانیه بود ظهور یافت و مداح آن خاندان بود و مردی بغایت محتشم و صاحبجاه بود و از آل سیمجور بدو انعام و اکرام بی اندازه عائد شدی»<sup>۵</sup>

با گواهی امین احمد رازی میتوان گفت که ابوالفرج سیستانی استاد شاعر معروف عنصری بلخی بشمار میرود در خراسان در دربار ابوعلی سیمجوری استاندار می زیسته است - آقای دکتر صفا اصل ویرا از رونه نیشابور و مولد و منشاء وی را در لاهور دانسته اند<sup>۶</sup> بنظر نگارنده تولد ابوالفرج در لاهور اتفاق افتاده و از اینکه خانواده های ایرانی در قرون ۴ و ۵ بجانب پنجاب مهاجرت نموده بطور دائم سکونت اختیار مینموده اند میتوان استنباط کرد که اجداد ابوالفرج از خراسان مهاجرت

۱- لباب الالباب ج ۲ ص ۲۴۱

۲- مجمع الفصاح ج ۱ ص ۷۰

۳- تاریخ فرشته ص ۴۹

۴- فرهنگ سخنوران ص ۲۱

۵- تاریخ فرشته ص ۴۹

۶- تاریخ ادبیات در ایران ج ۲ ص ۴۷۰

کرده باشند ، شواهدیکه این نظر را تأیید مینماید عبارت است از گفته عبدالقادر بدائونی که نسبت وی را از قریهٔ رون در بخش لاهور میداند<sup>۱</sup> و همچنین امین احمد رازی او را از زبده ترین اهالی لاهور میشمرد - فرهنگ های معروف بجهانگیری و برهان قاطع نیز «رون» را در هندوستان و مولد ابوالفرج گفته اند .

در باب سال تولد و زمان طفولیت ابوالفرج کمتر اطلاعاتی بمانرسیده است و از قرائن موجود میتوان گفت که او در عصر سلطان ابراهیم غزنوی و پسرش مسعود سوم میزیسته است - قصاید متعددی در مدح هر دو سلطان در دیوان وی دیده میشود .  
ممدوحین ابوالفرج :

۱- سلطان ابراهیم بن مسعود

۲- سلطان مسعود بن ابراهیم ملقب به علاءالدوله<sup>۲</sup>

۳- سیفالدوله محمود .

۴- ممدوحین متعدد دیگر ابوالفرج که وزرا و امرای دربارهای غزنوی بوده اند عبارتند از خواجه منصور بن سعید احمد بن حسن میمندی<sup>۳</sup> و ثقة الملك طاهر بن علی بن مشکان<sup>۴</sup> ، قوام الملك نظام الدین ابو نصر هیمت الله پارسی و خواجه ابو سعید بابو صدر دیوان رسائل و ابوالقاسم خاصه و ابورشاد رشید خاص و عبدالحمید ابن احمد بن عبدالصمد و محمد بن بهروز و ابو حلیم زریر شیبانی -

سنجش ارزش اشعار ابوالفرج : تذکره نویسان وی را افضل الفضلا و استاد یاد کرده اند وی در سرودن قصیده قوی دست بوده و درین قصیده سرایان متقدم فارسی مقام شامخی داشته است . در آثار وی مقاداری رباعیات و غزلیات هم یافت میشود - همه شعرای معاصر وی باستانی او اشاره نموده در اشعار خود از او تجلیل کرده اند ، مسعود سعد که افتخار شاگردی وی را داشته میگوید :

۱ - منتخب التواریخ ج ۱ ص ۳۷

۲ - تاریخ فرشته ج ۱ ص ۴۹

۳ - وی را مسعود سعد و مختاری غزنوی هم گفته اند

۴ - لباب الالباب ج ۲ ص ۲۴۶

خاطر خواجه ابوالفرج بدرست کوهر نظم و نثر را کان گشت  
 نظامی عروضی سمرقندی او را از شعرای نامدار دوره غزنوی میداند<sup>۱</sup> عوفی  
 عقیده دارد که انوری قصیده سرای معروف همیشه در دیوان ابوالفرج سیر  
 کرده است<sup>۲</sup> همین عقیده را بزرگانی دیگر هم تأیید نموده‌اند<sup>۳</sup> انوری میگوید:  
 از منات خیل اقبالت چو شعر ابوالفرج

وز عذوبت مشرب عیشت چو نظم فرخی  
 فیضی اکبر آبادی (۱۰۰۴م) ملك الشعرای دربارا کبرشاه اظهار عقیدت میکند:  
 ذوقی که توان گرفت از شعر از شعر ابوالفرج گرفتم  
 ابوالفرج در تعداد گویندگان بزرگ پارسی است او در سخن صاحب سبکی  
 دلنشین و شیوای دل‌انگیز است - «در کلام و بلغات عربی نسبة زیاد و بعضی از اصطلاحات  
 علمی و ابداع و ترکیبات تازه و بکار بردن استعارات و تشبیهات بدیع و دقیق بر میخوریم<sup>۴</sup>»  
 با مطالعه در رباعیات ابوالفرج میتوان گفت در سرودن رباعی هم زبردست بوده است.  
 مسعود سعد درباره او گفته است:

نازم بدانکه هستم شاگردت شادم بدانکه هستی استادم  
 وفات ابوالفرج: سال وفات وی دقیقاً بر ما روشن نیست اما بطور قطع پس از  
 ۴۹۲ زنده بوده زیرا وی سلطان مسعود بن ابراهیم را که در میان سالهای ۴۹۲-۵۰۸ سریر آرای  
 بوده است بعنوان پادشاه وقت مدح گفته است<sup>۵</sup> با دلائل و شواهدیکه در دست است  
 میتوان استنباط نمود که پیش از طلوع آفتاب سده ششم آفتاب درخشان حیات ابوالفرج  
 غروب کرده است.

### (دنباله دارد)

- ۱- چهارمقاله ص ۲۸
- ۲- لباب الالباب ج ۲ ص ۲۴۱
- ۳- تاریخ گزیده ص ۵۱۸ مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۷۰، آتشکده ص ۱۲۲
- ۴- گنج سخن ج ۱ ص ۱۹۲
- ۵- تاریخ ادبیات در ایران تألیف آقای دکتر صفا ج ۲ ص ۴۷۰ ببعد